

How Bad Is the Problem? Minor, Serious or Urgent?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

89 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, we have three problems before tomorrow's community event.

مارتین، پیش از رویداد اجتماعی فردا سه مشکل داریم.

How bad are they?

چقدر بد هستند؟

The first is a spelling mistake in a draft handout.

اولی یک غلط املائی در پیش‌نویس یک برگه اطلاع‌رسانی است.

That sounds minor.

این minor، یعنی جزئی، به نظر می‌رسد.

The second is a funding gap that could cancel next month's free classes.

دومی کمبود بودجه‌ای است که ممکن است کلاس‌های رایگان ماه آینده را لغو کند.

That is serious.

این serious، یعنی جدی، است.

And water is leaking above an electrical socket right now.

و همین حالا آب بالای یک پریز برق نشت می‌کند.

That is urgent.

این urgent، یعنی فوری، است.

And I am moving away from the socket.

و من دارم از پریز دور می‌شوم.

Good decision.

تصمیم خوبی است.

Three problems, three precise words.

سه مشکل، سه واژه دقیق.

Welcome to Your English Toolbox and Practice Arena Five-Minute English.

به Your English Toolbox و Practice Arena Five-Minute English خوش آمدید.

I am Martin.

من مارتین هستم.



And I am Julia.

و من جولیا هستم.

Today we are learning how to describe problems precisely with minor, serious and urgent.

امروز یاد می‌گیریم با minor, serious و urgent مشکلات را دقیق توصیف کنیم.

These words do not simply mean small, medium and large.

این واژه‌ها صرفاً به معنی کوچک، متوسط و بزرگ نیستند.

One focuses on limited consequences, one on severity and one on time.

یکی بر پیامدهای محدود، یکی بر شدت و دیگری بر زمان تمرکز دارد.

Let us begin with minor.

با minor شروع کنیم.

A minor problem is small and has limited consequences.

یک مشکل minor کوچک است و پیامدهای محدودی دارد.

A spelling mistake in a draft handout is a minor error.

غلط املایی در پیش‌نویس یک برگه یک خطای minor است.

We should correct it, but it will not threaten the event.

باید آن را اصلاح کنیم، اما رویداد را به خطر نمی‌اندازد.

We often say a minor problem, mistake, delay, injury or minor damage.

اغلب می‌گوییم a minor problem, mistake, delay, injury یا minor damage.

For example: There was a minor delay because the room was still being cleaned.

برای مثال: چون اتاق هنوز در حال تمیز شدن بود، یک تأخیر minor پیش آمد.

Minor does not mean that we should ignore something.

به این معنی نیست که باید چیزی را نادیده بگیریم Minor.

It means the effect is limited.

یعنی اثر آن محدود است.

Our second word is serious.

واژه دوم ما serious است.

A serious problem is important or severe and may have significant consequences.

یک مشکل serious مهم یا شدید است و ممکن است پیامدهای قابل توجهی داشته باشد.

The funding gap is serious because the free classes could disappear next month.

کمبود بودجه serious است، چون ممکن است کلاس‌های رایگان ماه آینده از بین بروند.

It needs careful attention, but we do not have to solve it in the next thirty seconds.

این مسئله به توجه دقیق نیاز دارد، اما لازم نیست آن را در سی ثانیه آینده حل کنیم.



For example: The organisation is facing a serious financial problem.

برای مثال: آن سازمان با یک مشکل مالی serious روبه‌رو است.

We can also talk about a serious illness, accident, risk or serious damage.

همچنین می‌توانیم از a serious illness, accident, risk یا serious damage صحبت کنیم.

So serious tells us about the weight of the problem.

پس serious سنگینی مشکل را به ما نشان می‌دهد.

Yes.

بله.

It answers: How severe are the consequences?

به این پرسش پاسخ می‌دهد: پیامدها چقدر شدید هستند؟

Our third word is urgent.

واژه سوم ما urgent است.

An urgent problem needs immediate attention or action.

یک مشکل urgent به توجه یا اقدام فوری نیاز دارد.

Water near an electrical socket is urgent because waiting could be dangerous.

آب نزدیک پریز برق urgent است، چون صبر کردن می‌تواند خطرناک باشد.

For example: This is an urgent repair.

برای مثال: این تعمیر urgent است.

Turn off the power and call an electrician now.

برق را قطع کن و همین حالا به یک برق‌کار زنگ بزن.

We also use urgent with a request, message, meeting or deadline.

نیز به کار می‌بریم deadline یا request, message, meeting را با urgent.

Urgent mainly tells us about time.

عمدتاً درباره زمان به ما اطلاعات می‌دهد Urgent.

It answers: How quickly must we act?

به این پرسش پاسخ می‌دهد: با چه سرعتی باید اقدام کنیم؟

A problem can be serious without being urgent.

یک مشکل می‌تواند serious باشد، بدون آنکه urgent باشد.

A building may need an expensive new roof before winter.

ممکن است یک ساختمان پیش از زمستان به سقف جدید و گران‌قیمتی نیاز داشته باشد.

That is serious, but if winter is months away, there is time to plan.

این serious است، اما اگر تا زمستان چند ماه مانده باشد، برای برنامه‌ریزی وقت هست.



And something can be urgent without being very serious.

و چیزی می‌تواند urgent باشد، بدون آنکه خیلی serious باشد.

Your presentation begins in two minutes and you cannot find the correct cable.

ارائه تو دو دقیقه دیگر شروع می‌شود و کابل درست را پیدا نمی‌کنی.

Finding it is urgent, but the long-term consequences are limited.

پیدا کردن آن urgent است، اما پیامدهای بلندمدت محدودند.

A problem can also be both serious and urgent.

یک مشکل همچنین می‌تواند هم serious و هم urgent باشد.

Water leaking beside electricity is both.

نشت آب کنار برق هر دو ویژگی را دارد.

Serious describes the danger.

خطر را توصیف می‌کند Serious.

Urgent describes the need to act now.

نیاز به اقدام فوری را توصیف می‌کند Urgent.

Let us compare the words once more.

بیا یک بار دیگر این واژه‌ها را مقایسه کنیم.

Minor means small, with limited consequences.

یعنی کوچک، با پیامدهای محدود Minor.

Serious means important or severe, with significant consequences.

یعنی مهم یا شدید، با پیامدهای قابل توجه Serious.

Urgent means requiring immediate attention or action.

یعنی نیازمند توجه یا اقدام فوری Urgent.

Time for a quick challenge.

وقت یک چالش سریع است.

Choose minor, serious or urgent before we answer.

پیش از اینکه پاسخ را بگوییم، minor، serious یا urgent را انتخاب کن.

Situation one.

موقعیت اول.

A report has one comma in the wrong place, and the final version is not due until next week.

در یک گزارش، ویرگولی در جای نادرست قرار دارد و نسخه نهایی تا هفته آینده موعد ندارد.

It is a minor problem.

این یک مشکل minor است.



Situation two.

موقعیت دوم.

A charity may lose the building where it provides essential services, but the decision will be made in three months.

ممکن است یک مؤسسه خیریه ساختمانی را که در آن خدمات ضروری ارائه می‌دهد، اما تصمیم سه ماه دیگر گرفته می‌شود.

It is a serious problem, but not necessarily urgent today.

این یک مشکل serious است، اما لزوماً امروز urgent نیست.

Situation three.

موقعیت سوم.

A passenger has left their passport at the hotel and the airport bus leaves in five minutes.

مسافری گذرنامه‌اش را در هتل جا گذاشته و اتوبوس فرودگاه پنج دقیقه دیگر حرکت می‌کند.

The problem is urgent.

مشکل urgent است.

Situation four.

موقعیت چهارم.

A patient has severe chest pain and needs medical help now.

بیماری درد شدید قفسه سینه دارد و همین حالا به کمک پزشکی نیاز دارد.

The situation is both serious and urgent.

این وضعیت هم serious و هم urgent است.

Now improve this general sentence: We have a problem.

حالا این جمله کلی را دقیق‌تر کن: ما یک مشکل داریم.

Ask two questions.

دو پرسش مطرح کن.

How severe are the consequences?

پیامدها چقدر شدید هستند؟

And how quickly must we act?

و با چه سرعتی باید اقدام کنیم؟

Then choose the precise word.

سپس واژه دقیق را انتخاب کن.

On the episode page at yourenglishtoolbox.com, you can listen at seven speeds, from Extra Slow to Super Fast.

در صفحه اپیزود در yourenglishtoolbox.com می‌توانی با هفت سرعت، از Extra Slow تا Super Fast، گوش بدهی.



Choose a comfortable level, follow the transcript and move up when you are ready.

یک سطح راحت انتخاب کن، متن را دنبال کن و وقتی آماده بودی سرعت را بالا ببر.

The direct link is in the episode description.

پیوند مستقیم در توضیحات اپیزود است.

Martin, have you called someone about that leak?

مارتین، درباره آن نشت به کسی زنگ زده‌ای؟

Yes.

بله.

The power is off, the area is closed and an electrician is coming now.

برق قطع است، منطقه بسته شده و یک برق‌کار همین حالا در راه است.

Excellent.

عالی است.

You understood urgent.

را فهمیدی Urgent.

I also found another problem.

یک مشکل دیگر هم پیدا کردم.

We are almost out of coffee.

قهوه‌مان تقریباً تمام شده است.

Minor.

Minor.

I was afraid you would say that.

می‌ترسیدم همین را بگویید.

See you next time, friends.

تا دفعه بعد، دوستان.

Goodbye.

خداحافظ.

